

تبیین آثار نااطمینانی اقتصادی بر متغیرهای

کلان اقتصاد (مطالعه موردی: ایران)

افشین حیدرپور، فرشید پورشهابی**

تاریخ پذیرش ۹۱/۶/۲۶

تاریخ دریافت ۹۰/۱۱/۷

بی تردید هر فرد یا جامعه‌ای در عمده مسائل با وضعیت نااطمینانی مواجه می‌شود. در نظریه‌های مرتبط با اتخاذ تصمیم بهینه، نوع مواجهه با نااطمینانی روش نیل به راه‌حل را نشان می‌دهد. این مقاله در نظر دارد با بهره‌گیری از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای تاحدامکان به جمع‌بندی جامعی از تأثیرات نااطمینانی اقتصادی بر متغیرهای کلان و آثار سوء ناشی از آن دست یابد تا در سیاست‌گذاری‌های آینده مورد توجه قرار گیرد. چرا که این نااطمینانی اقتصادی به رکود اقتصادی منجر می‌شود و سرمایه‌ها را از سمت تولید به خرید دارایی‌های حقیقی سوق می‌دهد. این مسئله تا حدی توضیح‌دهنده وضعیت موجود بر اقتصاد ایران است. با توجه به نتایج به‌دست آمده پیشنهادهای سیاستی برای حداقل کردن هزینه‌های ناشی از نااطمینانی اقتصادی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: نااطمینانی؛ اقتصاد کلان؛ تورم؛ نقدینگی؛ سرمایه‌گذاری؛ مصرف

* دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، پژوهشگر ارشد دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (نویسنده مسئول)؛

Email: afshinheidarpour@gmail.com

** دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان؛

Email: pourshahabi.f@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره هفتادویک، پاییز ۱۳۹۱

مقدمه

نااطمینانی، فضایی است که تصمیم فعالان اقتصادی اعم از خانوارها، بنگاه‌ها و بخش دولتی در زمینه‌های مختلف با عدم اطمینان همراه است (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۷). به‌طور خاص از منظر کلان اقتصادی، اینکه چگونه در یک وضعیت نااطمینان، تصمیم بهینه از سوی سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اتخاذ می‌شود، موضوع بسیاری از مطالعات و تحقیقات را به‌خود اختصاص داده است. به‌ویژه اگر قرار باشد آثار مترتب بر آن مشخص شود و به‌طبع علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، اوضاع فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیز در اتخاذ تصمیم درست‌تر تأثیر گذارد. از این حیث، دو جنبه ادراکی از نااطمینانی وجود دارد؛ یکی بینش واقع‌گرا^۱ و دیگری قابلیت پیش‌بینی^۲ که هر دو در زمان واکنش در قبال سناریوهای نااطمینانی جلوه می‌کنند (Giordani and et al., 2010).

در بیان مفهوم نااطمینانی می‌توان گفت، وضعیتی که وقایع آینده و یا احتمال رخ دادن آنها پیش‌بینی نشده باشد. در دنیای واقعی، اقتصاد پر از نااطمینانی عوامل اقتصادی است که به بروز ریسک و مخاطره در فضای تصمیم‌گیری عوامل اقتصادی منجر شده و رفتار آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زمانی که سیاستگذار با وضعیت نااطمینانی مواجه می‌شود در واقع با یک تابع هدف و حداقل یک قید مواجه است. هدف حداکثر کردن مطلوبیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و قید آن تابع توزیع یا تصمیم‌گیری است. در برخی متون اقتصادی برای مدل‌سازی این نوع حداکثرسازی و دستیابی به راه‌حل از پارادایم بیزین^۳ استفاده می‌کنند (Ibid.).

در این مقاله سعی می‌شود بر پایه شواهد تجربی و نظری این موضوع تبیین شود که عوامل اقتصادی در ایران با نااطمینانی‌ها چگونه رفتار می‌کنند. اهمیت بررسی این مسئله زمانی آشکارتر می‌شود که اطمینان کامل وجود دارد که سیاستگذاری‌های اقتصادی نااطمینانی

1. Pragmatic Insight
2. Predictability
3. Bayesian Paradigm

اقتصادی به بار می آورند، اما از نتایج سیاست‌های اقتصادی صورت گرفته اطمینان کامل وجود ندارد. سؤال اصلی تحقیق به بررسی این موضوع می‌پردازد که نااطمینانی اقتصادی چگونه متغیرهای اقتصاد کلان را از خود متأثر می‌سازد. از این رو پاسخ به سؤالات ذیل مدنظر است:

- نااطمینانی اقتصادی، مخارج مصرفی بخش خصوصی را کاهش می‌دهد.

- نااطمینانی اقتصادی سرمایه‌گذاری را کاهش داده و به تبع رشد اقتصادی نیز کم می‌شود.

- نااطمینانی اقتصادی، تقاضای پول را کاهش می‌دهد.

به بیان دیگر، فرضیه اصلی تحقیق این است که نااطمینانی موجود در سیاست‌های اقتصادی، به نااطمینانی اقتصادی منجر می‌شود. همچنین به نظر می‌رسد که نااطمینانی تورم، رشد اقتصادی، تقاضای پول، مخارج مصرفی بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر نااطمینانی اقتصادی تأثیر گذارند. از این رو در مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش مطالعات کتابخانه‌ای، ابتدا به دلیل اهمیت رابطه تورم و رشد اقتصادی به بررسی اثر نااطمینانی تورم بر رشد اقتصادی پرداخته و سپس آثار نااطمینانی اقتصادی بر تقاضای پول، مخارج مصرفی بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران بررسی می‌شود و در پایان با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهادهای سیاستی برای حداقل کردن هزینه‌های ناشی از نااطمینانی اقتصادی بر اقتصاد ایران ارائه خواهد شد.

۱ دلالت نظری نااطمینانی اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی

نااطمینانی وقتی وجود دارد که یا اتفاقات آینده مشخص و معلوم نباشد یا با وجود مشخص بودن اتفاقات آینده احتمال آنها قابل پیش‌بینی نیست. به بیان دیگر، علت اصلی نااطمینانی نبود دانش پیش‌بینی شده است (Jeperson, 2009). در چنین وضعیتی تصمیم‌گیری برای آینده پیچیده و مشکل می‌شود و بر تصمیمات عواملان اقتصادی تأثیر می‌گذارد. از مهم‌ترین عوامل ایجاد و تشدید نااطمینانی اقتصادی را می‌توان سیاست‌های دولت‌ها عنوان کرد که با توجه به افق زمانی محدود خود سیاست‌های مورد نظر را طراحی می‌کنند و منافع ناشی از

کاهش بیکاری حال را به هزینه‌های تورم آینده ارجح می‌دانند و با توجه به آنکه دولت بالاترین نقش را در اقتصاد ایران دارد می‌توان انتظار داشت که در ایجاد نااطمینانی و بی‌ثباتی اقتصادی نیز بیشترین تأثیر را دارد. در چنین وضعیتی است که کشورها با بی‌ثباتی اقتصادی و هزینه‌های ناشی از آن روبه‌رو می‌شوند که در این بخش به بررسی مبانی نظری آثار نااطمینانی و هزینه‌های آن پرداخته شده است. به‌طور کلی بررسی جنبه‌های نظری و تجربی ارتباط میان نااطمینانی اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی، یکی از موضوعات مورد علاقه اقتصاددانان در سال‌های اخیر بوده است. علت گرایش اقتصاددانان به این موضوع با یک یا چند عامل از عوامل زیر می‌تواند توجیه شود (حیدری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۹۰):

- غنای نظریه‌های اقتصادی،

- پیشرفت‌های اخیر در روش‌های اقتصادسنجی که نوسان‌های یک متغیر اقتصادی را تسهیل می‌کند.

- نتایج غیرهم‌جهت و ناهمگون کارهای تجربی که امکان استنتاج مشخص بین نااطمینانی اقتصادی را با سایر متغیرهای اقتصاد کلان ناممکن می‌سازد.
با این توصیف در ادامه دلالت نظری نااطمینانی اقتصادی با متغیرهای کلان اقتصادی تبیین می‌شود.

۱-۱ نااطمینانی اقتصاد کلان و تورم

طی سالیان متمادی، اقتصاددانان کلان^۱ کارهای تحقیقاتی چشمگیری در خصوص رابطه میان تورم و رشد محصول انجام داده‌اند.^۲ به‌طور خاص از جنبه آثار اقتصاد کلان

1. Macroeconomists

۲. برای اطلاع بیشتر رک. تحقیقات توبین (۱۹۶۵) نشان می‌دهد تورم، رشد را افزایش می‌دهد، همچنین استاکمن (۱۹۸۱) تأثیر منفی تورم بر رشد را به‌دست آورد. اخیراً مطالعاتی صورت گرفته که اثر علیت معکوس را میان تورم و رشد اقتصادی به تصویر کشیده است. برای مثال کوران و کراناسوس (۲۰۰۵)، فونتناس و کراناسوس (۲۰۰۶).

نااطمینانی، نااطمینانی رشد محصول (بازداده) بر نرخ تورم و رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد (Kriakas and Savva, 2010: 9).

در تحقیقی که دوراکس^۱ (۱۹۸۹) براساس مدل بارو - گوردون انجام داده، نشان می‌دهد که یک افزایش برونزا در تغییرپذیری شوک واقعی (تحمیل یک شوک برونزا) باعث کاهش تعدیل دستمزد بهینه کارگران می‌شود و این کاهش به تحریک شاخص قیمت و تورم منجر می‌شود که ابزار مؤثری در افزایش محصول (بازداده) است. از سوی دیگر از نظر کینز (۱۹۳۶) کارآفرینان، به دلیل ماهیت نوسان‌های بزرگ در فعالیت اقتصادی، پروژه‌های سرمایه‌گذاری را فعالیت‌های دارای مخاطره (ریسک) تلقی می‌کنند که نتیجه آن، کاهش سرمایه‌گذاری و رشد ناشی از افزایش نااطمینانی واقعی در اقتصاد و برگشت‌ناپذیری سرمایه در بنگاه است (Ibid.). وقتی سرمایه‌گذاری بنگاه در کارخانه یا مجموعه تولیدی کاهش یابد به ناسازگاری و تغییرات انتظارناپذیر در رشد منجر می‌شود و تقاضای آتی برای تولید کل اقتصاد کلان را دچار نااطمینانی می‌کند.

موضوع دیگری که در اینجا قابلیت طرح می‌یابد «نااطمینانی تورم» است. وقتی عواملان اقتصادی در تصمیمات خود از میزان تورم آینده نامطمئن هستند این شرایط به وجود می‌آید (دهمرد و دیگران، ۱۳۸۸). گالوب^۲ (۱۹۹۴) نااطمینانی تورم را یکی از مهم‌ترین هزینه‌های تورم می‌داند که مانند ابری بر تصمیمات عاملان اقتصادی سایه می‌افکند و موجب کاهش رفاه آنها می‌شود؛ زیرا آنها بدون وجود نااطمینانی می‌توانند تصمیمات بهتری را اتخاذ کنند. بنابراین اثر نااطمینانی تورم این‌گونه ظاهر می‌شود که تورم به درک اشتباه از سطوح قیمت‌های نسبی و انحراف نشانه‌های قیمتی منجر شده و در نتیجه برنامه‌های سرمایه‌گذاری را ناکارآمد کرده و از سطح سرمایه‌گذاری می‌کاهد. با کاهش سرمایه‌گذاری، انباشت سرمایه کاهش یافته که این امر اثر پایدار و بلندمدتی بر اقتصاد داشته و کاهش رشد اقتصادی را در پی دارد.

1. Deveraux

2. J. E., Golob

از جنبه نظری، فریدمن^۱ (۱۹۷۷) بیان می‌کند که رابطه مثبتی بین سطح تورم و نااطمینانی تورم وجود دارد، به طوری که تورم بالاتر به نااطمینانی تورم بیشتر و در نهایت به کاهش رفاه و رشد تولید منجر می‌شود. فریدمن دو سازوکار را درباره آثار نااطمینانی تورم بیان می‌کند: اولاً، نااطمینانی تورم با تغییراتی که در مدت قرارداد دستمزد بهینه و شاخص دستمزد ایجاد می‌شود، باعث افزایش بیکاری و کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. ثانیاً، افزایش نااطمینانی تورم به کاهش کارایی در نظام هماهنگی فعالیت‌های اقتصادی منجر می‌شود. تصمیم‌گیری در بازار اقتصادی به سیگنال‌های قیمتی واضح و آشکار بستگی دارد، اما نااطمینانی درباره قیمت‌های آینده، ارزش حقیقی پرداختی‌ها و دریافتی‌های آینده را به سمت نااطمینانی می‌برد. بنابراین عواملان اقتصادی در این وضعیت برای اجتناب از نااطمینانی تورم تصمیم‌گیری‌شان را تعدیل می‌کنند (پورشهایی، ۱۳۸۸).

لایتنر^۲ (۱۹۷۵) بیان می‌کند که بی‌ثباتی تورم به برهم خوردن تصمیمات مالی داخل بنگاه‌ها منجر می‌شود و افزایش اختلاف اطلاعات در بازارهای مالی، سطح کارایی سرمایه‌گذاری و تولید ناخالص داخلی کشور را کاهش می‌دهد. همچنین مطالعه داتسی و سارتی^۳ (۲۰۰۰) نشان داد که تورم و رشد اقتصادی می‌تواند در بلندمدت رابطه منفی داشته باشند حتی امکان دارد در کوتاه‌مدت کشورهای با بازار مالی محدود از هم پاشد و حتی این رابطه منفی شود.

۱-۲ نااطمینانی اقتصادی و تقاضای پول

تقاضای پول بخشی از بازار پول است که سیاست‌های پولی از طریق این بازار اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین شناخت دقیق عوامل اثرگذار بر تقاضای پول اهمیت بسیار بالایی دارد. پول را می‌توان به دو صورت محدود و وسیع تعریف کرد. پول محدود شامل

1. M. Friedman
2. Lintner
3. Dotsey and Sarte

اسکناس و مسکوک در دست مردم و سپرده‌های دیداری است و پول وسیع، پول محدود و شبه پول (سپرده‌های مدت‌دار در بانک‌های تجاری، حساب‌های پس‌انداز و ...) را شامل می‌شود. از دیدگاه اقتصاددانانی مانند فیشر^۱ و پیگو^۲ رابطه مستقیم و متناسبی بین مقدار پول و سطح قیمت در قالب تعادل کلاسیکی وجود دارد. آنها پول را وسیله مبادله در معادلات می‌دانند. در رهیافت کمبریج^۳ مقدار نگهداری پول با مقدار معاملات ارتباط داشته و ثروت، مقدار نگهداری پول را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین صورت که با افزایش ثروت افراد، دارایی‌های بیشتری از جمله پول را نگهداری می‌کنند. کینز سه انگیزه برای این امر عنوان می‌کند: انگیزه معاملاتی، احتیاطی و سفته‌بازی. بامول و توین بیان می‌کنند که افراد پول را برای انگیزه معاملاتی نگهداری می‌کنند (Bamumol, 1952; Tobin, 1956)، اما از نظر فریدمن تقاضای مانده‌های حقیقی پول به درآمد حقیقی و میزان بازدهی سایر روش‌های نگهداری دارایی مانند اوراق قرضه و کالاهای بادوام وابسته است (پورشاهی، ۱۳۸۸).

براساس نظریه‌های اقتصادی، عوامل اقتصادی پول را برای انجام معامله و همچنین حفظ ارزش^۴ نگهداری می‌کنند. نااطمینانی اقتصادی می‌تواند مقدار پولی را که عوامل اقتصادی نزد خود نگهداری می‌کند تحت تأثیر قرار دهد. افزایش نااطمینانی تورم همه دارایی‌های اسمی را با ریسک روبه‌رو می‌کند؛ زیرا با افزایش نااطمینانی تورم، ارزش کالاها و خدمات را در دوره‌های آتی نمی‌توان به درستی پیش‌بینی کرد. بنابراین نااطمینانی تورم سبب می‌شود، عاملان اقتصادی برای جلوگیری از ضررهای احتمالی ناشی از نگهداری دارایی‌های اسمی، آنها را به دارایی‌های قابل لمس مانند طلا و کالا تبدیل کنند، همچنین می‌تواند نااطمینانی بازار سرمایه را به وجود آورد که به کاهش میزان نگهداری دارایی‌های ریسکی مانند دارایی‌هایی که در بازار سرمایه فعال‌اند، منجر شود (همان).

1. Fisher
2. Pigou
3. Cambridge Approach
4. Store Value

۳-۱ ناطمینانی اقتصادی و مخارج مصرفی بخش خصوصی

یکی از مسائل مورد توجه اقتصاددانان به دست آوردن تابع مصرف در کل اقتصاد و شناسایی عوامل مؤثر و میزان اثر آنها بر مخارج مصرفی است تا با آگاهی از این موارد از تصمیم‌گیری‌هایی که می‌تواند آثار مضر بر اقتصاد و زندگی مردم داشته باشد جلوگیری کنند. همچنین مصرف بخش خصوصی بخش بزرگی از تقاضای کل را تشکیل می‌دهد که شناخت ساختار این جزء از تقاضای کل را با اهمیت می‌کند.

کینز مصرف را تابعی از درآمد قابل تصرف افراد می‌داند، اما دوزنبیری مصرف را تابعی از موقعیت نسبی خانوار در توزیع درآمد میان خانوارهای دیگر می‌داند. مودیگیلیانی در فرضیه دوره زندگی خود مصرف را تابعی از ثروت واقعی و درآمد نیروی کار می‌داند. فریدمن در فرضیه درآمد دائمی خود بیان می‌کند که مردم رفتار مصرفی خود را به جای سطح درآمد جاری به درآمد پیش‌بینی شده خانوار برای آینده ارتباط می‌دهند. از سویی نظریه‌های جدید مصرف یعنی نظریه محدودیت نقدینگی مصرف، بین دو حالت حدی نظریه‌های مصرف کینز و درآمد دائمی حال قرار می‌گیرند. ضرورت مدل‌های جدید مصرف از آنجا ناشی می‌شود که یکی از فروض اساس نظری درآمد - دوره زندگی، کامل بودن بازار سرمایه است. در حالی که در دنیای واقعی غالباً با بازارهای سرمایه ناقص و محدودیت‌های نقدینگی مواجه می‌شویم باید محدودیت‌های نقدینگی را در این مدل‌ها منعکس کنیم (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸: ۵۰).

به هر حال افزایش ناطمینانی اقتصادی می‌تواند بر میزان مخارج مصرفی بخش خصوصی اثرگذار باشد. به گونه‌ای که با افزایش ناطمینانی اقتصادی، افراد به سمت دارایی‌های با ریسک کمتر روی می‌آورند که بازدهی کمتری دارند. با این کار درآمد سالانه افراد کاهش می‌یابد و چون مصرف تابعی مستقیم از درآمد است، بنابراین مخارج مصرفی آنها کاهش می‌یابد. با تبدیل دارایی‌ها به دارایی‌های قابل لمس به دلیل ناطمینانی اقتصادی میزان سرمایه‌گذاری کم می‌شود چرا که درآمد و در نتیجه مصرف در آینده

کاهش می‌یابد. در نتیجه می‌توانیم انتظار داشته باشیم که در شرایط نااطمینانی اقتصادی مخارج مصرفی افراد از دو راه کاهش یابد: اول به تعویق انداختن مصرف به دلیل تبدیل دارایی‌ها به دارایی‌های قابل لمس و ریسک کمتر، دوم کاهش در آمد آینده افراد به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری آنها (همان).

۴-۱ نااطمینانی اقتصادی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

هزینه‌هایی که موجودی کالاها، سرمایه‌ای مانند کارخانه‌ها و تجهیزات فنی یا موجودی کالا را افزایش می‌دهند، سرمایه‌گذاری نامیده می‌شوند. سرمایه نیز عبارت است از ابزارها، کارخانه‌ها و ذخایر کالاها، موجود در انبارها که منبع تشکیل آنها پس‌انداز است و به سه صورت انجام می‌شود: پس‌اندازهای شخصی، تجاری و عمومی. این منابع پس‌انداز شده معمولاً به سه روش در فرایند سرمایه‌گذاری به کار گرفته می‌شوند: سرمایه‌گذاری مستقیم فرد پس‌اندازکننده، سپرده‌گذاری در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و خرید سهام و اوراق قرضه شرکت‌ها و دولت‌ها (همان: ۵۱).

سه عامل مهمی که نااطمینانی اقتصادی می‌تواند آنها را متأثر کند عبارت است از: ۱. مسئله تأخیرات و هزینه‌های تعدیل اجرای پروژه سرمایه‌گذاری، ۲. هزینه‌ها و دریافتی‌های انتظاری آینده، ۳. ریسک. این سه عامل اثر مستقیمی بر میزان سرمایه‌گذاری بهینه در اقتصاد دارد و از میزان آن خواهد کاست. بنابراین نااطمینانی اقتصادی می‌تواند به صورت غیرمستقیم از سطح بهینه سرمایه‌گذاری در اقتصاد بکاهد.

در نظریه‌های جدید سرمایه‌گذاری، ریسک و نااطمینانی نیز در تابع سرمایه‌گذاری وارد شده است. نااطمینانی اقتصادی را می‌توان متوسط هزینه وقایع پیش‌بینی نشده در طول دوره سرمایه‌گذاری تعریف کرد. سرمایه‌گذار برای تخصیص منابع مالی پیش از هر چیز، سود و زیان خود را بررسی می‌کند، اما وقتی نااطمینانی اقتصادی وجود دارد، هزینه اضافی که ناشی از وقایع اقتصادی پیش‌بینی نشده است، هزینه هر واحد سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و در

نتیجه به کاهش سود منجر می‌شود. حال اگر میزان خسارت ناشی از وقایع پیش‌بینی نشده بیش از حد باشد موجب منفی شدن سود و در مواردی ورشکستگی سرمایه‌گذار می‌شود. درجه بالایی از نااطمینانی اقتصادی می‌تواند هزینه‌های فرصت را برای سرمایه‌گذار افزایش دهد. این هزینه‌ها شامل به تأخیر انداختن و منتظر اطلاعات جدید ماندن پیش از تصمیم‌گیری درباره سرمایه‌گذاری است که نتیجه آن کاهش سرمایه‌گذاری مطلوب است (همان: ۵۲).

بنابراین در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران محیط نااطمینان اقتصادی برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی پیش‌بینی‌های سودآوری بخش‌های مختلف اقتصادی را دچار اخلال کرده و از میزان سرمایه‌گذاری در آینده می‌کاهد.

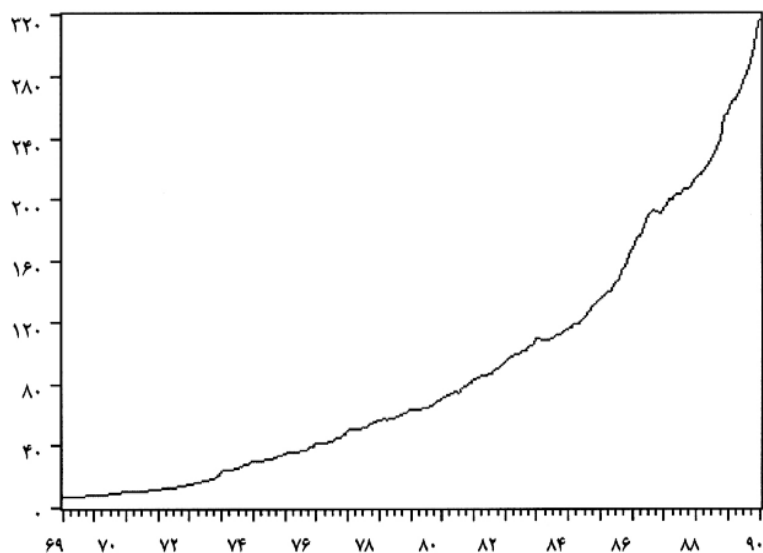
همچنین نااطمینانی تورم که بخشی از نااطمینانی اقتصادی است از سه روش آینده اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد: اولاً، نرخ بهره بلندمدت را در بازارهای مالی تغییر می‌دهد و با افزایش ریسک بازده اسمی وام‌های بلندمدت، بازده انتظاری بالاتری را به همراه داشته و نرخ بهره بلندمدت را افزایش می‌دهد که کاهش سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و تجهیزات و سایر کالاهای بادوام را در پی دارد. ثانیاً، نااطمینانی تورم بر نااطمینانی دیگر متغیرهای اقتصادی که در تصمیمات اقتصادی مهم هستند، اثر می‌گذارد برای مثال نامطمئن شدن ارزش واقعی پرداخت‌های آینده که می‌تواند تصمیمات تولید، سرمایه‌گذاری و ... را تا زمانی که نااطمینانی برطرف نشده به تعویق اندازد و فعالیت‌های اقتصادی را کاهش دهد. ثالثاً، نااطمینانی تورم تولیدکنندگان را به هزینه کردن منابع مالی (از قبیل اصلاح پیش‌بینی و هجینگ) برای اجتناب از ریسک‌های مرتبط تشویق می‌کند (ابراهیمی و سوری، ۱۳۸۵).

۲ شواهد و نتایج کاربردی برای اقتصاد ایران

۲-۱ ارتباط نااطمینانی اقتصادی و تورم

همان‌طور که نمودار ۱ نشان می‌دهد، سری زمانی ماهانه شاخص قیمت کالاهای مصرفی در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۶۹ دارای روند افزایشی بوده است به طوری که از ۶/۷ در فروردین

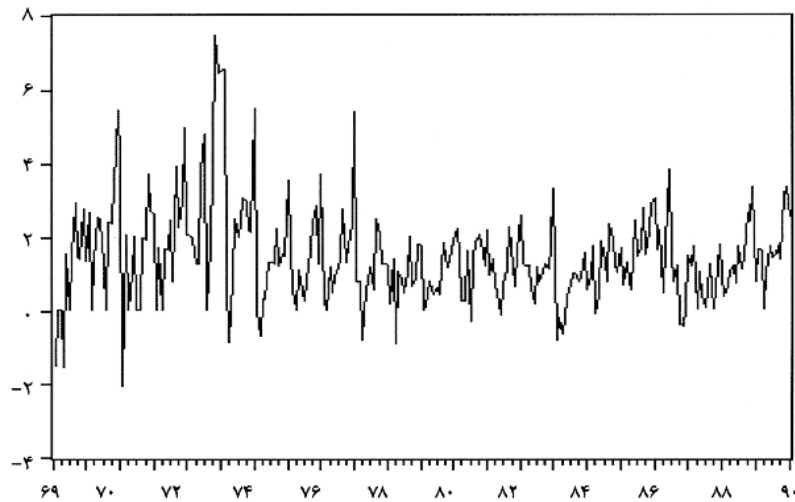
۱۳۶۹ به ۳۱۷/۲ در ۱۳۹۱ رسیده است و این شاخص همواره در این دوره زمانی افزایش متوسط سالانه نیز داشته است.



مأخذ: پرتال شاخص‌ها و آمارهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، <http://www.cbi.ir>.

نمودار ۱ سری زمانی ماهانه شاخص قیمت کالاهای مصرفی در سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۰

تورم (رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده) تمایل خاصی به افزایش و کاهش دارد و بیشترین میزان آن در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ رخ داده که به ترتیب تورم سالانه ۳۵/۲ و ۴۹/۴ درصد بوده است. همچنین کمترین میزان تورم سالانه در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۸۴ به ترتیب ۹ و ۱۰/۴ درصد بوده است. نمودار سری زمانی تورم ماهانه در فاصله سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۰ در نمودار ۲ آمده است.



مأخذ: همان.

نمودار ۲ سری زمانی ماهانه تورم در سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۰

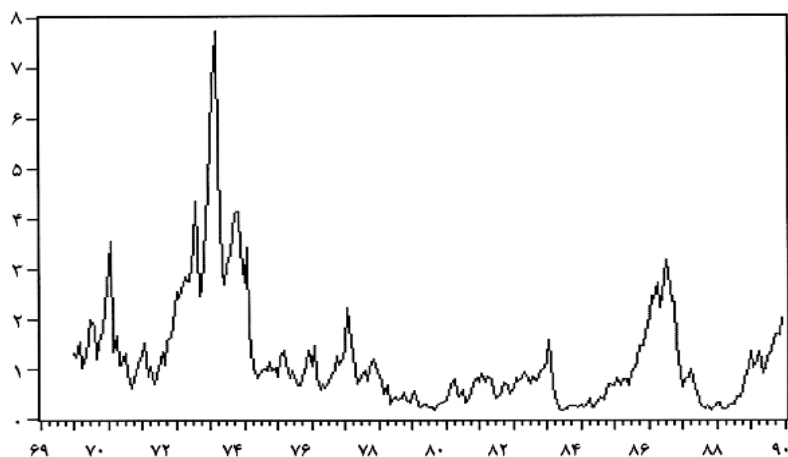
همچنین در عمل ثابت شده که تورم اثر منفی بر رشد اقتصادی کشور داشته و در بلندمدت بر کاهش استانداردهای زندگی در ایران تأثیر گذار است (دادگر و صالحی رزوه، ۱۳۸۳). هرچند نرخ‌های تورم زیر ۱۰ درصد اثر مثبت بر رشد اقتصادی کشور دارد (دادگر و دیگران، ۱۳۸۵). بنابراین پیشنهاد شده است تا تورم در این حد باقی بماند و رابطه بین سیاست‌های پولی و مالی از حالت دستوری و تکلیفی خارج و به صورت کارشناسی درآید. از این رو برای کاهش یا کنترل تورم می‌توان تا قطع وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و تأمین منابع مالی با کارآمد ساختن نظام مالیاتی و اصلاح ساختار بودجه عمومی از طریق کنترل اعتبارات جاری دولت انجام شود. عباسی نژاد و تشکینی در تحقیقی نشان داده‌اند که شاخص بهای کالاهای وارداتی اثر مثبت و بزرگی بر شاخص قیمت کالاهای و خدمات مصرفی در اقتصاد ایران دارد به طوری که با افزایش حجم پول بر میزان شاخص قیمت کالاهای مصرفی افزوده شده و نتیجه

تبيين آثار نااطمينانی اقتصادی بر متغيرهای کلان اقتصاد ... ۱۳۷

مشابهی از افزایش نرخ ارز مشاهده می‌شود. آنها پیشنهاد می‌کنند با توجه به اینکه آثار تورمی (ضدتورمی) ناشی از رشد (کاهش) حجم پول تا چند دوره دوام دارد، باید حداکثر احتیاط و دقت در استفاده از سیاست‌های پولی صورت گیرد (عباسی‌نژاد و تشکینی، ۱۳۸۳).

در مطالعه‌ای دیگر هادیان و پارسا (۱۳۸۷) نشان دادند که تغییر در یک دوره معین در حجم نقدینگی، حداقل در سه دوره متوالی تورم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین پایداری تأثیر تغییرات حجم نقدینگی بر تورم نکته‌ای است که باید سیاستگذاران اقتصادی مورد توجه قرار دهند.

نمودار ۳ نشان‌دهنده آن است که نااطمينانی تورم در سال‌های ۱۳۷۰، ۱۳۷۲، ۱۳۷۴، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۶ رشد، افزایشی داشته و همان‌طور که ملاحظه می‌شود در سال ۱۳۷۴ به اوج خود رسیده و فقط در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۰ از ثبات نسبی برخوردار بوده است.



مأخذ: محاسبات تحقیق.

نمودار ۳ نااطمينانی تورم محاسبه شده^۱ در سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۰

۱. واریانس شرطی حاصل از مدل EGARCH(1,1).

از سویی بررسی شوک‌های قیمتی بر نااطمینانی از دائمی نبودن آن حکایت دارد که از درجه پایداری بالایی برخوردار است. بنابراین می‌توان دریافت که یک شوک قیمتی اثر خود را بر نااطمینانی تورم فقط در یک دوره برجای نمی‌گذارد، بلکه چندین دوره را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دهمرده و دیگران، ۱۳۸۸). همچنین نتایج بررسی رابطه علیت بین تورم و نااطمینانی تورم نشان می‌دهد که تورم به نااطمینانی تورم منجر می‌شود، اما رابطه عکس آن برقرار نیست (Dahmardeh and et al., 2009). بنابراین باید در اقتصاد ایران سیاست‌های بانک مرکزی و تصمیم‌گیرندگان اقتصادی حداقل کردن هزینه‌های رفاهی نااطمینانی تورم باشد و بایستی به این مسئله در سیاست‌گذاری‌های آینده توجه شود. همچنین پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی و دولت در کوتاه‌مدت از سیاست‌های تورم‌زا دوری کرده و در بلندمدت با سیاست‌های ضد تورمی در جهت کاهش نااطمینانی تورم گام بردارند و آن را به‌عنوان متغیری مهم و تأثیرگذار مورد توجه قرار دهند (Pahlavani and et al., 2010).

۲-۲ مطالعات تجربی در خصوص ارتباط نااطمینانی اقتصادی و رشد اقتصادی

یکی از نتایج نامطلوب ولی امکان‌پذیر نرخ‌های تورم بالا، افزایش نااطمینانی تورم است. اثر نااطمینانی بر تورم باعث درک اشتباه از سطوح قیمت‌های نسبی و انحراف نشانه‌های قیمتی می‌شود، از این رو برنامه‌های سرمایه‌گذاری را ناکارا کرده و سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و در نتیجه انباشت سرمایه هم کم می‌شود که اثر پایدار و بلندمدتی بر اقتصاد داشته و در نهایت موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

بررسی برخی مطالعات نشان می‌دهد که تورم بر رشد اقتصادی ایران اثر منفی داشته است که می‌توان رابطه منفی بین تورم و رشد اقتصادی را با استفاده از اثر نااطمینانی تورم بر مخارج سرمایه‌گذاری خصوصی به این صورت توضیح داد: «با افزایش تورم، نااطمینانی تورم افزایش پیدا کرده و این موضوع سبب کاهش مخارج سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی در ایران شده است» (صفدری و پورشهبی، ۱۳۸۸).

نتایج نشان می‌دهد با افزایش ۱ درصدی تورم، نااطمینانی تورم به $4/34$ درصد می‌رسد و همچنین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی $0/40$ درصد کاهش می‌یابد. وجود رابطه مستقیم بین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تولید ناخالص داخلی نیز تأیید می‌شود یعنی با افزایش ۱ درصدی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، تولید ناخالص داخلی $0/36$ درصد افزایش می‌یابد. همچنین نتایج مطالعه پیرایی و دادور (۱۳۹۰) رابطه منفی بین نااطمینانی تورم و رشد اقتصادی را در ایران تأیید می‌کند. از این رو تورم بالا طی دهه‌های اخیر آثار مضری بر سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی داشته که در پی آن با سطح پایین رشد اقتصادی روبه‌رو بوده است. بنابراین سیاست کاهش تورم و جلوگیری از سیاست‌هایی که موجب شوک‌های قیمتی می‌شوند، باید به‌عنوان راهکارهایی برای افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی مورد توجه قرار گیرند.

۳-۲ نااطمینانی اقتصادی و تقاضای پول

بررسی مطالعه‌ای نشان می‌دهد با افزایش ۱ درصدی نااطمینانی اقتصادی، تقاضای پول به میزان $0/34$ درصد کاهش می‌یابد. از ضریب برآوردی می‌توان دریافت که نااطمینانی اقتصادی، تقاضای پول را در اقتصاد ایران کاهش می‌دهد. دلیل اصلی این است که در وضعیت نااطمینانی عاملان اقتصادی بیشتر جذب دارایی‌های حقیقی می‌شوند تا دارایی‌های اسمی (دهمرد و دیگران، ۱۳۸۸). علاوه بر این رابطه معکوسی را در کوتاه‌مدت و بلندمدت بین نااطمینانی اقتصادی و تقاضای پول با تعریف گسترده آن در اقتصاد ایران نشان می‌دهد زیرا با افزایش نااطمینانی اقتصادی، عاملان اقتصادی اشتیاق خود را به نگهداری دارایی‌های ریسکی از دست می‌دهند و نسبت به دارایی‌های اسمی بیشتر جذب دارایی‌های حقیقی می‌شوند (Dahmardeh, 2011).

افزایش بی‌ثباتی موجب افزایش نااطمینانی اقتصادی شده و توضیح‌دهنده علت روی آوردن سرمایه‌های بخش خصوصی به سمت بخش‌های غیرمولد اقتصادی از جمله زمین،

مسکن و دیگر دارایی‌های دارای بازدهی کمتر نسبت به بازار سرمایه و دیگر بخش‌های اقتصادی است. نتایج حاصل از آزمون علیت نیز نشان‌دهنده آن است که رابطه علیت از نااطمینانی اقتصادی به سمت تقاضای پول حقیقی است و رابطه عکس آن برقرار نیست. در نتیجه سیاستگذاران اقتصادی می‌توانند با به‌کارگیری سیاست‌های ثبات اقتصادی از میزان نااطمینانی اقتصادی عاملان اقتصادی بکاهند و برای ورود سرمایه‌های بخش خصوصی به سمت بازار سرمایه و بخش‌های مولد اقتصاد زمینه را فراهم آورند و موجب شکوفایی و رشد اقتصادی هرچه بیشتر شوند.

۲-۴ نااطمینانی اقتصادی و مخارج مصرفی بخش خصوصی

به‌طور کلی می‌توان گفت افزایش نااطمینانی اقتصادی باعث کاهش میزان مخارج مصرفی بخش خصوصی می‌شود که می‌توان علت آن را روی آوردن افراد به سمت دارایی‌های با ریسک کمتر مانند کالا، طلا و زمین بیان کرد که بازدهی سالانه ندارد. این امر سبب می‌شود تا مردم پس‌انداز و دارایی‌های مالی خود را به این قبیل دارایی‌ها تبدیل کنند. با این کار افراد درآمد سالانه کمتری را به دست می‌آورند و چون مصرف تابعی مستقیم از درآمد است، باعث کاهش میزان مخارج مصرفی آنها می‌شود (پورشهبی، ۱۳۸۸).

همچنین افزایش نااطمینانی سبب کاهش سرمایه‌گذاری به دلیل تبدیل دارایی‌های مالی به دارایی‌های با ریسک کمتر برای رویارویی با نااطمینانی می‌شود و با توجه به اینکه این گونه دارایی‌ها بازدهی ندارند، موجب کاهش درآمد افراد در طول عمر آنها و به‌طور مستقیم باعث کاهش مخارج مصرفی آنها می‌شود. در نتیجه مصرف افراد در وضعیت نااطمینانی اقتصادی از دو طریق کاهش می‌یابد: ۱. به تعویق انداختن مصرف به دلیل تبدیل دارایی‌ها به دارایی‌های با ریسک کمتر، ۲. کاهش درآمد سالانه افراد. نتایج حاصل از آزمون علیت گرنجر نشان می‌دهد که رابطه علیت از نااطمینانی اقتصادی به سمت مخارج مصرفی سرانه بخش خصوصی است و رابطه عکس آن برقرار نیست.

۵-۲ نااطمينانی اقتصادی و سرمايه‌گذاری بخش خصوصی

نااطمينانی اقتصادی با افزایش هزینه فرصت بنگاه‌ها و همچنین به تأخیر انداختن سرمايه‌گذاری‌های آنها، می‌تواند اثر منفی بر سرمايه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد داشته باشد. نتایج مطالعه پهلوانی و دیگران (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که با افزایش ۱ درصدی نااطمينانی اقتصادی، سرمايه‌گذاری بخش خصوصی به ۰/۱۵ درصد کاهش می‌یابد. بنابراین نااطمينانی اقتصادی برای سرمايه‌گذاری بخش خصوصی مضر است.

علامت منفی این ضریب نشان‌دهنده آن است که افزایش نااطمينانی اقتصادی به کاهش سرمايه‌گذاری بخش خصوصی از طریق افزایش هزینه‌های فرصت به تأخیر انداختن و صبر کردن برای کسب اطلاعات جدید که می‌تواند به عدم کسب درآمدهایی منجر شود که سرمايه‌گذار می‌توانست از سرمايه‌گذاری در هر جای دیگر کسب کند. این موضوع با از دست دادن زمان همراه بوده و سرمايه‌گذاران بخش خصوصی را از سرمايه‌گذاری دلسرد می‌کند. مطالعه کمیجانی و مجاب (۱۳۹۰) نیز نتایج به‌دست آمده در مطالعه پهلوانی، دهمرده و پورشهبابی (۲۰۱۰) برای اقتصاد ایران را تأیید می‌کنند.

همچنین نتایج مطالعه کازرونی و دولتی (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که بی‌ثباتی نرخ ارز در ایران، بی‌ثباتی در اقتصاد و در نتیجه کاهش سرمايه‌گذاری بخش خصوصی را به همراه دارد؛ چون بنگاه‌های واردکننده مواد اولیه در زمان بی‌ثباتی نرخ ارز برای افزایش سود خود منتظر پایین آمدن نرخ ارز می‌مانند که با افزایش زمان انتظار، میزان سرمايه‌گذاری کل را کاهش می‌دهد. بنابراین ثبات بخشیدن به نرخ ارز واقعی کشور می‌تواند آثار منفی بی‌ثباتی سرمايه‌گذاری را کاهش دهد.

۳ پیشنهادهاى سياسى و راهبردى

با بررسی مطالب گفته شده می‌توان دریافت که نااطمينانی اقتصادی در ایران به رکود اقتصاد منجر می‌شود که با توجه به نقش تورم در ایجاد نااطمينانی اقتصادی کشور با رکود

تورمی روبه‌رو خواهد بود و از یک سو نااطمینانی اقتصادی نقدینگی را به سمت دارایی‌های حقیقی سوق می‌دهد که تعادل در بازار دارایی‌های مورد نظر را برهم می‌زند و افزایش قیمت دارایی‌های حقیقی از جمله مسکن و طلا را به همراه خواهد داشت و از سوی دیگر با کاهش سرمایه‌گذاری نقدینگی را از بخش تولید خارج می‌کند که به کاهش تولید، رشد اقتصادی و اشتغال در آینده می‌انجامد. از جمله سیاست‌هایی که برای کاهش بی‌ثباتی اقتصادی و از هزینه‌های نااطمینانی اقتصادی بر کشور کاست، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- **ثبات در سیاست‌های اقتصادی و روزمره نبودن سیاست‌ها:** با دنبال کردن سیاست‌های اقتصادی بلندمدت و تصمیم‌گیری‌های برنامه‌ریزی شده و غیرغافلگیرانه می‌توان محیط اقتصادی باثبات‌تری را فراهم کرد؛ زیرا در وضعیت روزمره بودن سیاست‌ها و مشخص نبودن وضعیت بلندمدت افراد با نداشتن دورنمای روشن اقتصادی برای آینده تصمیم‌گیری‌های خود را به تأخیر انداخته و از برنامه‌ریزی‌های بلندمدت خودداری می‌کنند.

- **کاهش تأثیرپذیری مدیریت اقتصادی کشور از مسائل سیاسی:** با توجه به اینکه سیاست، نوسان‌ها و شوک‌های فراوانی به همراه دارد، تأثیرپذیری مدیریت اقتصادی کشور را از این مسائل دربر خواهد داشت. یکی از اهداف سیاست‌های دولت ایجاد ثبات و اطمینان از آینده است اما اگر خود سیاست‌ها به دلیل مدیریت نامناسب، باعث بروز بی‌ثباتی و نااطمینانی شود، اقتصاد نمی‌تواند کارایی مطلوبی داشته باشد.

- **عدم وابستگی به درآمدهای نفتی و افزایش وابستگی به درآمدهای مالیاتی:** یکی از پیامدهای وابستگی به درآمدهای نفت، ناتوانی اقتصاد در تأمین نیازهای داخلی و همچنین وابستگی به اقتصادهای خارجی است، بنابراین ثبات اقتصادی کشور را کاهش می‌دهد؛ زیرا علاوه بر اثرگذاری شوک‌های بازار نفت خام بر اقتصاد داخلی، به انتقال شوک‌های اقتصادهای خارجی به کشور نیز منجر می‌شود. مالیات که یک سیاست در ثبات اقتصادی شناخته می‌شود آثار رکود و رونق را بر اقتصاد می‌کاهد، بنابراین افزایش سهم مالیات می‌تواند راهکاری برای سیاست ثبات اقتصادی دنبال شود.

- تنظیم سیاست‌های پولی، مالی و ارزی با هدف دستیابی به ثبات اقتصادی و مهار نوسان‌ها: با استفاده از سیاست‌های پولی، مالی و ارزی مناسب و مهار نوسان‌های اقتصادی، ثبات اقتصادی بالاتری فراهم می‌شود. درحالی‌که این سیاست‌ها با اهداف دیگر می‌تواند نتیجه عکس داشته باشد از این رو استقلال بانک مرکزی تأثیر بسزایی در ایجاد محیط باثبات اقتصادی دارد.

- بهبود محیط کسب و کار و اجرای دقیق سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی: با تحقق وضعیت مناسب تولید و بهبود فضای کسب و کار از طریق قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و افزایش مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد می‌توان از بی‌ثباتی‌هایی که با دخالت دولت در اقتصاد ناشی می‌شود، کاست. گفتنی است در مواردی به دخالت دولت نیاز است، اما باید محدود و پس از مطمئن شدن از لزوم آن صورت پذیرد؛ زیرا ممکن است با دخالت دولت نتایج بدتری همراه داشته باشد.

- توانمندسازی بخش خصوصی: با توانمندسازی و فراهم کردن مشارکت مؤثر بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی، گسترش فراگیر مالکیت و حداکثرسازی تعداد مشارکت‌کنندگان در فعالیت‌های اقتصادی قابل واگذاری به بخش خصوصی برای ثبات بیشتر اقتصادی دنبال شود.

- گسترش رقابت، تنظیم انحصارها و حذف انحصارهای به وجود آمده از طریق قانون: بی‌تردید با توجه به تصریح فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در خصوص تسهیل رقابت، منع انحصار و گسترش رقابت می‌تواند ضمن ارتقای کارایی از بی‌ثباتی‌های ناشی از ناکارایی و همچنین شوک‌های ناشی از تصمیمات انحصارگران بر اقتصاد بکاهد.

- تغییر در نظام مالی پایه بانکی و گسترش بازار بیمه: نقش برتر دولت در تسهیل انجام کسب و کار، گسترش و ترغیب فعالیت‌های اقتصادی به ارتقای کارایی نظام مالی کشور منجر می‌شود. در نتیجه لازمه گذار به اقتصاد باثبات تغییر در نظام مالی در جهت حمایت از

بخش خصوصی است. بازار بیمه به عنوان یکی از اجزای بخش مالی اقتصاد ملی، کارکرد مهم تأمین اطمینان اقتصادی را برعهده دارد. ازسویی، منابع گردآوری شده از راه جذب حق بیمه به خودی خود منبع مالی چشمگیری را به مصارف سرمایه گذاری در اقتصاد ملی سوق می دهد. در نتیجه گسترش بازار بیمه هم به طور مستقیم نااطمینانی اقتصادی را کاهش می دهد و هم با گسترش سرمایه گذاری زمینه افزایش ثبات اقتصادی را فراهم می آورد.

- تنظیم و هدایت فعالیت های بازار پول: وزارت امور اقتصادی و دارایی نقش مهمی را در تنظیم و هدایت فعالیت های بازار پول و هماهنگی سیاست های پولی با مجموعه سیاست های کلان اقتصادی دولت برعهده دارد. این نهاد می تواند به منظور هماهنگ سازی جریان های پولی با جریان های واقعی برای ایجاد ثبات در اقتصاد ملی، کارآمدسازی شبکه بانکی کشور و همچنین ایجاد زمینه های لازم برای به کارگیری مؤثر سیاست پولی را در دستور کار خود قرار دهد.

- کنترل روند حجم نقدینگی: با توجه به آنکه بازار پول از پویاترین بازارهای اقتصادی است، بی تعادلی در آن به سرعت به دیگر بازارها انتقال می یابد در نتیجه کنترل حجم نقدینگی موجود در اقتصاد متناسب با نیازمندی های اقتصادی کشور و هدف برنامه ریزی شده تورم، می تواند از ایجاد شوک های قیمتی و همچنین ایجاد بی ثباتی در بازار پول و کالا بکاهد.

- رشد بازار سرمایه: بازار سرمایه به سبب فراهم آوردن امکان تأمین مالی بلندمدت به کمک ابزارهایی مانند سهام و اوراق بدهی بلندمدت و نیز امکان مدیریت ریسک از راه به کارگیری ابزارهایی برای کاهش بی ثباتی و نااطمینانی در بخش مالی، از اهمیت بالایی برخوردار است. وقتی بازار سرمایه به درستی عمل کند، افزایش حجم سرمایه گذاری ها به ویژه در فعالیت های بلندمدت کاهش اثر نااطمینانی اقتصاد را به دنبال خواهد داشت.

- منطقی کردن اندازه دولت: با توجه به بزرگی دولت در اقتصاد ایران و همچنین تأثیرپذیری تصمیمات اقتصادی دولت از سیاست، نقش دولت ها بر بی ثباتی اقتصادی

چشمگیر است. بنابراین کوچک‌سازی یا منطقی کردن اندازه دولت، کاستن از حجم تصدی فعالیت‌های اقتصادی دولت، کاهش بار مالی و افزایش کارایی دولت می‌تواند بر افزایش ثبات اقتصادی کشور بیفزاید.

- **تقویت طرف عرضه کالاها و خدمات:** این امر می‌تواند با حمایت از تولیدکنندگان داخلی و همچنین تسهیل و افزایش واردات کالاها و خدمات انجام شود، اما رشد واردات فقط درمانی کوتاه‌مدت و محدود برای ایجاد ثبات اقتصادی است و گسترش واردات باعث ایجاد بیماری جدیدی برای اقتصاد ایران می‌شود و آن افزایش وابستگی بیش‌ازپیش به دنیای خارج بدون افزایش توان صادراتی است که با تهدید تولیدکنندگان داخلی و حذف بسیاری از آنها از گردونه رقابت با کالاهای خارجی همراه است.

- **انضباط مالی دولت:** اقدام دیگر برای حفظ و ایجاد محیط باثبات اقتصاد کلان، جایگزین کردن انضباط مالی به جای بی‌ثباتی مالی در بودجه دولت است. با توجه به آنکه کسری بودجه دولت در گسترش پایه پولی و ایجاد تورم نقش بسزایی دارد، کاهش کسری بودجه و محدودسازی نوسان‌های آن می‌تواند در ثبات اقتصادی کشور مفید باشد.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، محسن و علی سوری (۱۳۸۵). «رابطه بین تورم و نااطمینانی تورم در ایران»، مجله دانش و توسعه، ش ۱۸.
۲. پرتال شاخص‌ها و آمارهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، <http://www.cbi.ir>.
۳. پژوهشکده پولی و بانکی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۷). «بررسی تأثیر نااطمینانی تورم بر رشد اقتصادی». <http://www.mbra-ac.ir/portal/file/showfile.aspx?ID=a7bb5042>.
۴. پورشهبابی، فرشید (۱۳۸۸). «آثار نااطمینانی بر اقتصاد ایران (رشد، مصرف، سرمایه‌گذاری، تقاضای پول و نفت خام)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۵. پیرایی، خسرو و بهاره دادور (۱۳۹۰). «تأثیر تورم بر رشد اقتصادی در ایران با تأکید بر نااطمینانی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ش ۱.
۶. حیدری، حسن، سهیلا پروین، عباس شاکری و سلیمان فیضی ینگجه (۱۳۸۹). «آثار نااطمینانی اقتصادی بر رشد اقتصادی در ایران: مشاهداتی بر پایه مدل‌های GARCH»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۴۳.
۷. دادگر، یداله و مسعود صالحی رزوه (۱۳۸۳). «کاربرد مدل بارو جهت ارزیابی رابطه بین تورم و رشد اقتصادی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی، ش ۳۳.
۸. دادگر، یداله، غلامرضا کشاورز و علی تیاترج (۱۳۸۵). «تبیین رابطه تورم و رشد اقتصادی در ایران»، جستارهای اقتصادی، ش ۵.
۹. دهمرده، نظر، مهدی صفدری و فرشید پورشهبابی (۱۳۸۸). «مدل‌سازی نااطمینانی تورم در اقتصاد ایران»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال هفدهم، ش ۵۰.
۱۰. صفدری، مهدی و فرشید پورشهبابی (۱۳۸۸). «اثر نااطمینانی تورم بر رشد اقتصادی ایران (کاربرد مدل‌های EGARCH و VECM (۱۳۵۰-۱۳۸۶))»، مجله دانش و توسعه، سال هفدهم، ش ۲۹.
۱۱. طباطبایی‌یزدی، رویا (۱۳۷۸). «تأثیر محدودیت‌های نقدینگی بر مصرف براساس الگوهای بهینه‌یابی بین‌زمانی و داده‌های مقطعی»، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
۱۲. طبیب‌نیا، علی (۱۳۷۴). «نظریه‌های تورم با نگاهی به فرایند تورم در ایران»، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، چاپ اول.

۱۳. عباسی‌نژاد، حسین و احمد تشکینی (۱۳۸۳). «آیا تورم در ایران یک پدیده پولی است؟»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۶۷.
۱۴. کازرونی، علی و مهناز دولتی (۱۳۸۶). «اثر نااطمینانی نرخ واقعی ارز بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (مطالعه موردی ایران)»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۴۵.
۱۵. کمیجانی، اکبر و رامین مجاب (۱۳۹۰). «رابطه نااطمینانی تورم و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران»، پژوهشنامه اقتصادی، ش ۲ (پیاپی ۴۱).
۱۶. هادیان، ابراهیم و حجت پارسا (۱۳۸۷). «برآورد تأثیر با وقفه تغییرات حجم نقدینگی بر سطح تورم در اقتصاد ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال دوازدهم، ش ۳۶.
17. Baumol, W.J. (1952). "The Transactions Demand for Cash: An Inventory of the Oretic Approach", *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 66.
18. Dahmardeh Nazar, Farshid Pourshahabi and Mahmudinia (2011). "Economic Uncertainty-Money Demand Nexus in Iran (Application of the EGARCH model and the ARDL Approach)", *European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences*, 38.
19. Dahmardeh, Nazar, Farshid Pourshahabi and Mojtaba Khani Zadeh Amiri (2010). "Asymmetry Effect of Inflation on Inflation Uncertainty in Iran: Using from EGARCH Model", *American Journal of Applied Sciences* 7(4), 1959-2009.
20. Dahmardeh, Nazar, Gholamreza Zamanian and Farshid Pourshahabi (2009). "Inflation-Inflation Uncertainty Nexus in Iran-Using TARARCH Model", *China-USA Business Review* 8(11).
21. Friedman, M. (1979). "Nobel Lecture: Inflation and Unemployment", *Journal of Political Economy*, Vol. 85.
22. Giordani, Paolo E., Karl Schlag and Sanne Zwart (2010). "Decision Makers Facing Uncertainty: Theory Versus Evidence", *Journal of Economic Psychology*, 31.
23. Golob, J. E. (1994). "Does Inflation Uncertainty Increase with Inflation?", *Economic Review*, Issve QIII.
24. Holland, A. S. (1984). "Does Higher Inflation Leed to More Uncertain Inflation?", Federal Reserve Bank of st, Louisworking Paper.
25. Jeperson (2009). "Post-Keynesian Economics: Uncertainty, Effective Demand and (un) Sustainable Development", Paper Presented at the Dijon-Conference, Dijon, 10-12.

26. Kriakas, C. Neanidin and Christos S. Savva (2010). "Macroeconomic Uncertainty, Inflation and Growth: Regime-Dependent Effects in the G7", Center for Growth Business Cycle Research, Discussion Paper Series No. 145, Manchester.
27. Pahlavani, Mosayeb, Nazar Dahmardeh and Farshid Pourshahabi (2010). "The Economic Uncertainty and Private Investment Nexus in Iran: Application of the EGARCH model and the ARDL Approach", *China-USA Business Review* 9(2).
28. Rizvi, Seyed Komail Abbas and Bushra Naqvi (2008). "Asymmetric Behavior of Inflation Uncertainty and Friedman-Ball Hypothesis: Evidence from Pakistan, MPRA, <http://mpa.ub.uni-muenchen.de/19488>.
29. Snowdan, B. H. Vane and P. Wynareczk (1956). *A Modern Guide to Macroeconomics: An Introduction to Competing Schools of Thought*, Edward Elgar.
30. Tobin J. (1956). "The Interest Elasticity of the Transactions", *Review of Economics and Statistics*, Vol. 38.